

## نقش اخلاق در ارتباطات

استیسی مری دانشجوی رشته‌ی ارتباطات در یک دانشگاه دولتی است. هفته‌ی گذشته استاد او در سمیناری، چندین نظریه در باب اخلاق به دانشجویان خود ارائه کرد. استیسی تا پیش از این پرداختن به بحث‌های فلسفی را اتلاف وقت می‌دانست اما از آن پس، در این باره دچار تردید شد. به موقعیت‌های جالبی که او طی ۱۲ ساعت گذشته با آنها روبرو شده توجه کنید:

(۱) در پایان کلاس تولید برنامه‌های صبحگاهی تولیدیونی، رئیس دانشکده نزد دانشجویان آمد تا فرم نظرخواهی از استاد درس مربوطه را بین دانشجویان توزیع کند. استیسی برای استادش احترام قایل بود چرا که او به دانشجویانش خیلی توجه می‌کرد. اما متأسفانه به عنوان استاد درس تکنیک‌های رسانه‌ای بی‌نظم و بی‌لیاقت بود. آیا استیسی می‌بایست نقاط ضعف استادش را نادیده می‌گرفت تا مبادا کارش را از دست بدهد یا این که باید واقعیت را می‌گفت؟

(۲) هنگام صرف ناهار یکی از دانشجویانی که در سمینار شرکت کرده بود نزد استیسی آمد و به او گفت که سرپرستی دانشجویانی را برعهده دارد که سه‌شنبه شب‌ها به کودکان محله‌های فقیرنشین شهر آموزش می‌دهند و از استیسی خواست تا او نیز به آنان بپیوندد. استیسی همیشه فکر می‌کرد که او آدم نامطمئنی است و می‌ترسید که

در هنگام تاریکی هوا در آن محله ها بماند. اما چون نمی خواست که احساس خود را  
بروز دهد گفت که وقت آزاد ندارد.

۳) وقتی استیسی و هم اتاقیش میشل در حال صرف شام بودند. تلفن زنگ زد،  
همین که استیسی خواست گوشی تلفن را بردارد میشل داد زد: "اگر سین بود، بگو  
نیستم". وقتی گوشی را برداشت شنید که کسی می گوید: "سلام من سین هستم، میشل  
آنجاست؟" استیسی می دانست که گفتن حقیقت، سرآغاز یک جنگ روانی شدید با  
میشل خواهد بود.

۴) بعد از ظهر آن روز وقتی استیسی از کتابخانه بر می گشت، یکی از دانشجویان  
بنام هارولد که در آپارتمان کناری او زندگی می کرد، او را به یک نوشیدنی دعوت  
کرد. استیسی هم پذیرفت. هارولد به طور کلی شخصیتی مثبت دارد اما آن شب بخاطر  
مصرف بیش از حد الکل، پرخاشگر شده بود و وقتی خواست با اتومبیل در شهر  
گشتی بزند، استیسی کلید ماشین را توی جیبش گذاشت. چند دقیقه بعد، هارولد از او  
پرسید: "آیا تو کلید مرا برداشته ای؟".

اخلاق باید موارد خاکستری زندگی ما را در بر گیرد. وقتی تصمیم های اخلاقی  
سیاه و سفیدند، دانستن کاری که باید انجام داد مشخص و آسان است. ممکن است بر  
اعتقادات خود پایدار باقی نمانیم اما هیچ وقت این سؤال در ذهنمان ایجاد نمی شود  
که چه باید بکنیم؟ موقعیت هایی که استیسی با آنها روبرو شده ممکن است برای

همه‌ی ما پیش آمده باشد. موارد فوق نمونه‌هایی از فریب کاری‌های گفتاری هستند.  
سکوت اختیار کردن در این شرایط موجب وخیم‌تر شدن اوضاع می‌شود. در موارد  
۱ و ۲، بی‌صداقتی‌های استیسی تنها به کتمان حقیقت خلاصه می‌شود در حالی که  
موارد ۳ و ۴ دروغ‌هایی گستاخانه‌اند. در دو مورد نخست، از طرف دیگران بر استیسی  
فشار وارد می‌شود اما در دو مورد بعدی، خود اونیز اندکی مقصر است (او نمی‌بایست  
به تلفن جواب می‌داد یا کلید ماشین را در جیبش می‌گذاشت).

البته، در زندگی موقعیت‌های پیچیده‌ای وجود دارند که آسیب‌های حاصل از آنها  
بسیار جدی‌تر است. نظریات اخلاق‌گرایانه‌ای که در این بخش مورد بحث قرار  
گرفته‌اند، می‌توانند به استیسی کمک کنند تا بتوانند در موقعیت‌های فوق‌با کمال  
صداقت برخورد کنند. نظریه‌ی آخر، درباره‌ی روشهای تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق  
است. در نظریه‌ی نخست، نتایج رفتاری را مورد بررسی قرار می‌دهند. آیا دروغ  
می‌تواند به خوبی منجر شود یا آن که از آسیب رساندن جلوگیری نماید؟ سه تئوری  
بعدی درباره‌ی درستی یک رفتار بدون توجه به سودآوری یا عدم سودآوری آن است.

آیا دروغ‌گویی منصفانه و درست است؟ و آیا ما وظیفه داریم همواره صادق باشیم؟  
سه نظریه‌ی بعدی نیز به شخصیت و انگیزه‌های درونی می‌پردازند که به واسطه‌ی  
آنها می‌توان یک فرد را اخلاقی نامید. آیا گفتن حقیقت، فضیلت محسوب می‌شود؟

آخرین نظریه هم به امکان وجود تفاوت شما دارد؟ از روی کدام نظریه بهتر می توانید

رفتار استیسی را مورد قضاوت قرار دهید؟

### خودخواهی اخلاقی: اپیکوروس

منفی اندیشان می گویند مردم فقط به فکر خود هستند. چرا که همه می خواهند اولین باشند. پیروان مکتب خود پرست اخلاقی معتقدند افراد باید چنین باشند و هر کس باید سلايق شخصی خود را ارتقا دهد. سیستم اخلاقی خود پرستان تنها به یک فرد خلاصه می شود.

اپی کوروس چند سال پس از مگ ارسطو، زندگی خوب را تا حد ممکن شاد بودن تعریف کرد. "من به نجیب زادگان و اطرافیان بی خاصیت آنان خدو می اندازم اگر بویی از شادی نبرده باشند." با وجودی که گفته ی اپی کوروس یادآور ضرب المثل "بخور، بخواب و شادباش" است اما آنچه او بر آن تاکید داشته، شادی ناشی از دوستی ها، ادراک درست و بالاتر از همه بی دردی است. او می گوید: "در غم شیطان لانه کرده اما عواملی شادی آفرین آسیب هایی را موجب می شوند که از خود شادی تأثیر گذارترند."

اپی کوروس معتقد است اگر احتمال افشای حقیقت وجود نداشته باشد، عقلا برای دروغ گفتن آماده خواهند بود. اما هیچ گاه نمی توان مطمئن بود که بی صداقتی ها آشکار نشوند- او گرایش استیسی را به پرهیز از دست پاچگی در ناهارخوری و حفظ

رابطه‌ی آرام با میشل را تحسین می‌کند. اما اگر هر دو (سرپرست گروه آموزشی و سین) از موضوع باخبر میشدند چه اتفاقی می‌افتاد؟ در مورد موقعیت سوم بهتر بود که استیسی خود را درگیر ماجرا نمی‌کرد.

تعدادی از فلاسفه رفتار اپی کوری را خود محوری می‌دانند. توماس هوبز زندگی را "جانفرسا، بی رحم و کوتاه" می‌داند و از بده بستان‌های سیاسی که برای بدست آوردن امنیت هستند، دفاع می‌کند. آدام اسمیت، پدر معنوی مکتب سرمایه‌داری، به تک تک افراد گوشزد می‌کند که در جستجوی سود خود می‌باشند.

نتیجه گفت که خدا وجود ندارد و روح، خود شرافت خود را تکریم می‌کند. آین‌راند که نویسنده‌ای خودپرست است رمان خود بنام سرچشمه را به "شادمانی بشریت و تقدس خرسندی او در زمین" تقدیم کرد. جامعه‌ی مدرن احتیاجی به جستجوی لذت ندارد. بابی مک فرین با شعار "نگران مشو، شادباش" جایزه‌ی گرمی را نصیب خود کرد. البته این شعارها فاقد اعتبارند چرا که سخنانی را که آنان بیان می‌کردند برای نیل به اهداف شخصی خود آنها بوده و آنان قصد نصیحت و خیرخواهی برای دیگران نداشتند. علی رغم فراگیر بودن مکتب خودپرستی (اگوئیسم)، اکثر صاحب نظران حوزه‌ی اخلاق، آن را نفرت انگیز می‌خوانند.

مردم چگونه می‌توانند از مکتبی پیروی کنند که از تروریسم دفاع کرده و برای خشونت طلبان، شادی تجویز می‌کند؟ وقتی اصول مکتب خود پرستی را با زندگی

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

کسانی مانند مادر ترزا قیاس کنیم، این مکتب اخلاقی به نظر نخواهد رسید، هر قدر هم  
که اگوئیست‌ها بگویند برندگان جوایز صلح نوبل به خاطر ارضای حس لذت خود به  
دیگران کمک می‌کنند. اگر کارهای خیریه اجباری باشند، کسانی مثل ما در ترزا باید از  
فعالیت های بشر دوستانه دست بردارند.

### مکتب سودگرایی: جان استوارت میل

جان استوارت میل، فیلسوف و اقتصاد دان انگلیسی با مشروط کردن خوب بودن یا  
بد بودن یک کار به نتیجه‌ی آن، تا اندازه‌ای از تکرار اگوئیست‌ها بهره برده است.  
اونظریه‌ی مرسوم به اپی کور را که می‌گوید لذت بردن یگانه موضوع مهم در زندگی  
است، تحسین می‌کند و در عین حال یک استثنا برای آن قایل می‌شود.

آنجا که در انتخاب بین لذت خود و دیگران، از افرادی خواهد به صورت یک ناظر  
کاملاً بی طرف رفتار کنند. بهترین نمونه‌ی اخلاقی این مکتب را می‌توان در دوران  
طلایی حکومت عیسی مسیح در شهر ناصره عنوان کرد آنجا که گفت: "آن کن که  
می‌خواهی با تو آن کنند." و "همسایه ات را چون خود دوست بدار." میل مخاطبان  
خود را متقاعد کرده در جستجوی بزرگترین شادی برای بیشترین تعداد آدم‌ها باشند.  
اخلاق در این مکتب نیازمند نوعی لذت گرایی الهام گرفته شده از نظریه‌ی تبادل  
اجتماعی است.

استیسی را تصور کنید که به فرم خالی ارزشیابی استادش نگاه می کند و مزایا و مضرات گفتن حقیقت را بررسی می کند. در این مورد بخصوص، او چند دقیقه فرصت دارد تا پیش از پر کردن فرم کمی فکر کند اما در مورد برخورد با هارولد یا موضوع تماس تلفنی از چنین موهبتی برخوردار نیست. او فکر می کند اگر حقیقت را بنویسد، استادش دچار دردسر خواهد شد و حتی ممکن است کارش را از دست بدهد. او همچنین نگران آن است که استادش نوشته‌ی او را بخواند و دستخطش را تشخیص دهد. از طرف دیگر، دانشجویان آتی خوشحال خواهند شد که استاد بهتری داشته باشند. استیسی باید بین دردسر بزرگ یک انسان و شادی کم اهمیت‌تر آسیب دیدن تعداد زیادی از دانشجویان تعادل برقرار کند. سودگرایی به شخص اجازه می‌دهد تا خود را برای رضایت گروه قربانی کند، حتی اگر شایسته‌ی آسیب دیدن نباشد. این موضوع را قضاوت در مورد سودآوری رفتارها، هیجان انگیزتر می‌کند. میل از ما می‌خواهد تا دامنه‌ی وسیعی از عوامل را در هنگام قضاوت در مورد لذت و درد در نظر بگیریم. اما پیش بینی همه‌ی حالت‌های احتمالی، غیرممکن است. شاید استیسی متوجه نشود که بی‌صدافتی او می‌تواند چه مشکلاتی را برایش بوجود آورد. با این که دروغ مصلحتی و سخنان نیمه راست فریبکاری محسوب می‌شوند، تعدیل ارزشیابی‌ها می‌تواند رازدار بودن مدیریت را نزد دانشجویان تضعیف کند. به

**جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

این ترتیب، نیش دار بودن حقیقت ممکن است استاد را وادار به روی آوردن به

حرفه‌ای کند که مهارت های مردم مدارانه‌ی او در آن به خوبی به کار گرفته شوند.

مشکلی نیست که متکی بودن به اصول اخلاقی سودگرایی در برخی موارد دشوار

است. ممکن است استیسی بر سودمندی خود پای فشرده و به این ترتیب ذهنیتی

اگونیستی پیدا کند. با این حال راه هایی وجود دارند که به واسطه‌ی آنها می توان خود

محوری را جبران کرد. سیسلا بوک، رعایت "قانون صداقت" را که برای دروغ گفتن

نیروی منفی به افراد می دهد توصیه می کند. نظام سودمندگرایی ممکن است پیچیده

باشد اما توجه به آنچه برای مردم اتفاق می افتد در مباحثات اخلاقی جایگاه ویژه‌ای

دارد.



## امر مطلق: امانوئل کانت

امانوئل کانت فیلسوف مشهور آلمانی دیدگاه کاملاً متفاوتی از اپی کوروس و میل در مورد اخلاق دارد. توجه این دو به نتیجه‌ی کاربود در حالی که کانت برای دلیل منطقی اصالت قایل بود. اپی کوروس و میل خوبی یا بدی یک رفتار را از روی نتیجه‌ی آن می‌سنجیدند در حالی که کانت پیشرو فلاسفه‌ای بود که اعتقاد داشتند درستی یا نادرستی یک رفتار به نتیجه‌ی آن هیچ ارتباطی ندارد. نظریه‌ی اخلاقی کانت برای کالبرگ مدل خوبی در بسط اخلاق بود. او هر نوع دروغی را با ذکر جمله‌ی زیر کاملاً محکوم کرده است:

حقیقت‌گرایی در گفتار وظیفه‌ی قانونی هر فردی است هر چند ممکن است این کار برای خود فرد یا دیگران معایبی به همراه داشته باشد.

استیسی می‌توانست با شرکت نکردن در ارزیابی یا پاسخ ندادن به تلفن از گفتن حقیقت طفره رود یا به همکلاسی خود بگوید که فقط به خاطر ترس از کتک خوردن در آن محله هاست که نمی‌خواهد با او همکاری کند. اما در مواجهه با سوال مستقیم هارولد و نگاه نافذ از، استیسی می‌بایست طبق نظر کانت، حقیقت را می‌گفت: “بله، من کلیدهایت را برداشته‌ام”.

کانت به سخن کسانی که ممکن است بگویند هارولد بخاطر شرایط ویژه‌اش (مستی)، لیاقت شنیدن پاسخ صریح را ندارد، به هیچ عنوان ارزش قائل نیست. رفتارها

رولد ناخوشایند و خارج از حوزه‌ی بشریت بود. دروغی که استیسی به هارولد گفت

می توانست شان انسانی هارولد و خودش را خدشه دار کند.

اگر استیسی خود پرست بود، می توانست از ترس کتک خوردن در قبال راستگویی

دروغ بگوید. و اگر سودگرا بود احتمال داشت هارولد کلید را از استیسی بگیرد و شبانه

در شهر رانندگی کند. شاید او می بایست دروغ بگوید تا از کشته شدن یک فرد

جلوگیری کند. اما کانت می گوید اگر حتی خطری بدتر از مرگ هم وجود داشته باشد

باید راست گفت. یکی از استادان درس اخلاق تعبیر جالبی از اخلاق کانتی دارد:

“کانت بدون دستکش می خواهد توپ سفت اخلاق را بگیرد”. کانت ها توسل به

منطق امر مطلق خود به این موقعیت رسید. این عبارت یعنی “وظیفه بدون استثنا”. او

حکم مطلق را قانونی جهانی می داند: “بر مدار راستی باشید تا بتوانید در حیطه‌ی

قانون جهانی قرار گیرد”. طبق گفته‌ی او ما باید از خود پرسیم چه می شد اگر همه

چنین می کردند؟ و اگر با پاسخ آن کنار نیاییم دیگر انجام این کار ضرورت نخواهد

بود.

استیسی باید از خود پرسد: “چه می شد اگر همه دروغ می گفتند؟” در پاسخ این

سوال باید گفت اگر تعدادی از کلمات دروغ باشند، احتمال دارد که همه‌ی آنها دروغ

باشند و سیستم زبانی عاری از معانی بی تناقض بوده و تعهدات تضمینی ندارند. در

این حالت اعتماد از زندگی بشر رخت برخواهد بست و بی نظمی در همه جا حکم

فرما خواهد شد. از آنجا که هیچ عاقلی نمی تواند در چنین حالتی به سر برد، حکم کانت مشخص می شود: "دروغ همه جا نادرست است". به این ترتیب پرونده بسته می شود. کانت کسی نیست که درباره ی موضوعات اخلاقی یا ره سرایی کند.

### وظایف بدیهی: دلبلیو- دی- راس

دلبلیو- دی- راس فیلسوف انگلیسی در این باره که رعایت اخلاق یک وظیفه است با کانت هم عقیده می باشد. او در سال ۱۹۳۰ کتابی تحت عنوان "حق و پروردگار" را به طبع رساند که شش وظیفه ی اصلی در آن توضیح داده شده است:

۱- وفاداری- برای این که به دیگران آسیبی نرسد.

۲- جبران خسارت- برای دلجویی از کسانی که به آنان آسیب رسانده ایم.

۳- حق شناسی- برای تعامل با کسانی که به ما کمک کرده اند.

۴- عدالت- برای رفتار با افراد براساس شایستگی آنها.

۵- احسان/ نیکی- برای کمک به کسانی که می توانیم.

۶- خود بهسازی- برای ارتقا دادن خود.

حکم مطلق کانت وظیفه را هم ردیف دلیل درست قرار می دهد. ما موظف به انجام چیزی هستیم که دلیل برایش وجود داشته باشد. راس می گوید: "ما برای کشف رفتارهای مبتنی بر وظیفه نیازی به بکارگیری روش های منطقی نداریم. رفتارهای درست برای هر که می خواهد خوب باشد، اموری بدیهی اند. راس از وظایفی نام

می برد که ما از روی فطرت خود، با آنها به خوبی آشنا هستیم. اگر مفروضات او را با

تست شرکت روتاری اینترنشنال قیاس کنیم به نتیجه‌ی جالبی می‌رسیم. تست روتاری

اینترنشنال شامل چهار سوال زیر است:

- آیا این حقیقت است؟

- آیا برای همه منصفانه است؟

آیا باعث تحکیم روابط دوستانه می‌شود؟

- آیا برای همه سودمند است؟

کانت بر قطعیت وظایف تاکید دارد. او نمی‌تواند موقعیتی را متصور شود که در آن

تعهدات بین‌المللی با هم در تضاد باشند. در حالی که راس تعهدات را مشروط

می‌داند. طبق نظریه‌ی او این امکان وجود دارد که شرایط فوق با یکدیگر در تضاد

باشند. در آن شرایط مردم به گونه‌ای رفتار خواهند نمود که وظایف عمده را در

درجه‌ی نخست قرار می‌دهند. تعهدات شش‌گانه‌ی فوق براساس اهمیت درج

شده‌اند.

راس حقیقت‌گویی را مهم‌ترین می‌داند. هر وقت با کسی وارد گفتگو می‌شویم،

پیمانی بوجود می‌آید که دروغ نگوئیم. استیسی مجبور نبود در کلاس تولید برنامه‌های

صبحگاهی تلویزیونی شرکت کرده، با همکلاسی خود در هنگام صرف ناهار صحبت

کند، گوشی تلفن را بردارد یا به آپارتمان هارولد برود. ارتباطات "تعهدی قابل پیگرد" به همراه دارد.

در مورد قضیه‌ی تلفن در واقع استیسی بین سین و میشل گرفتار شده بود. از یک طرف وظیفه داشت وقتی میشل در حال صرف شام بود با برداشتن گوشی تلفن به او کمک کند (وظیفه‌ی شماره‌ی ۵) و او بخاطر کارهایی که در گذشته برایش انجام داده بود قدردانی کند (وظیفه‌ی شماره‌ی ۳). اما مهم تر از همه آن بود که به سین آسیبی نرساند (وظیفه‌ی شماره ' ۱). ممکن بود میشل در این باره بگوید یک دروغ مصلحتی می تواند مانع از آسیب رساندن به افراد شود اما عقیده‌ی راس بر این است که ما از روی فطرت خود می دانیم که این حقیقت ندارد. در واقع جایی برای چانه زدن با فطرت گرایان وجود ندارد.

اکثر صاحب نظران اعتقاد دارند نظریه‌ی راس بیشتر از آن که منطقی باشد، احساسی است. نسبت گرایان این سخن را که افراد یک استعداد درونی جهانی برای کشف درست و نادرست دارند، به سخره می گیرند. به این ترتیب به نظر می رسد توجه آگونیست ها به مقوله‌ی اعاده‌ی حیثیت تنها کمی بیشتر از فردگرایان است. به همین منوال چنین رابطه‌ی در مورد حفظ آبرو بین سودگرایان و جمع گرایان وجود دارد.

فطرت گرایان در پاسخ به این انتقادات، سخن از "ارزیابی شهرت" به میان می آورند. به این وسیله آنان اطمینان حاصل خواهند کرد که تحت تاثیر هوسبازی افراد نیستند.

رئیس یکی از ۵۰۰ شرکت برتر آمریکایی، راجع به این ارزیابی چنین نظر داده است:  
“سعی من بر آن است تا به گونه‌ای رفتار کنم که هرچه از من سر می‌زند، روی جلد  
مجله‌ی وال استریت چاپ شود. و در اکثر موارد این مسئله اتفاق می‌افتد.” خوانندگان  
عموماً می‌توانند تشخیص دهند که درست و نادرست کدام است.

### عدالت به عنوان رعایت انصاف: جان راولز

طبق نظریه‌ی عدالت جان راولز فطرت نقشی در تعیین درست و نادرست ندارد. این  
فیلسوف معاصر آمریکایی می‌گوید عاقلان در تصمیم‌گیری، باید به یکدیگر آزادی  
کامل دهند. اما تفاوت موقعیت‌ها، مقررات، ثروت و هوش نابرابری برای برخی  
اعضای جامعه را باعث می‌شود.

همچنان که استوارت هال و کریس کامار پیشنهاد کرده‌اند: “بایدها” برای خدمت  
رسانی به کسانی هستند که ایدئولوژی غالب دارند.

راولز به منظور کشف قوانینی که برای افراد آزادی قایلند، بحث‌های اخلاقی پیش  
از ورود آدمیان به صحنه‌ی هستی را ارایه می‌کند. بر همگان لازم است تا پیش از آن  
که بدانند چه موقعیتی در جامعه خواهند داشت، قوانین رفتاری را قبول کنند. این  
قوانین نباید به خود محوری گرایش داشته باشند چرا که معلوم نیست “خود” شما کدام  
است.

راولز می گوید: "تصور می کنم همه در پشت پرده‌ی جهان‌ت اسیرند" و پس از آن به ترسی اشاره می کند که مردم از فقیر، ضعیف یا محروم بودن دارند. آزاد بودن بدون فرصت داشتن کاملاً بی معنی است. عاقلان در پس پرده‌ی نادانی، دست به وضع قوانین عدالت مدارانه‌ای می زنند تا کسانی را که سرنوشت آنها را در لایه های زیرین توده‌ی اجتماعی گرفتار ساخته، محافظت کند. محرومین نیاز به عدالت دارند. کسانی که در طبقات فوقانی هرم قدرت هستند، می توانند از خود مراقبت کنند.

نظریه‌ی عدالت گرایانه‌ی رولز به حمایت از کسانی برخاسته که در طبقات پائین اجتماع قرار دارند. از نظر رولز استیسی در به کارگیری استعدادهایش در آموزش کودکان طبقه محروم، تعهد اخلاقی دارد. او نمی بایست این پیشنهاد را رد می کرد و دروغ می گفت چرا که با این کار فقط بی عدالتی را ترویج کرده است.

از آنجا که تاثیر دروغ طبقه‌ی قدرتمند بیشتر است، قوانین اخلاقی که در پس پرده‌ی جهات به کار می آیند، با محکوم کردن فریبکاری باعث برقراری برابری می شوند.

شاید رولز انجام کاری محال را از ما می خواهد. با این که گاهی اظهار تمایل می کنیم که کاهش در مناطق محروم متولد می شویم اما ممکن است حساسیت های اخلاقی ما، به واسطه‌ی پرورش یافتن در طبقه‌ی ممتاز جامعه‌ای که قدرت مداراست، مخدوش شده باشد. از نظر ذهنی نیز عبور از این پرده‌ی ضخیم دشوار می نماید. اما به نظر می رسد نظری که رولز درباره‌ی حداکثر سود حاصل از حداقل امتیازات دارد، در

بردارنده‌ی نکات مهمی از مکتب رفتار گرایانه، بدون نقاط ضعف آن است. قوانین  
وضع شده در پس پرده‌ی جهات می توانند بسیار منصفانه باشند.

### ارسطو: میانه روی طلایی

تئوری هایی که تا کنون مطرح شدند، مربوط به رفتارهای اخلاقی هستند. آیا یک  
رفتار تولید خوبی یا بدی می کند؟ انجام یک کار معین خوب است یا بد؟ این نظریه  
منبعث از دیدگاه فرهنگی ما غربی ها نسبت به رفتار است. بسیاری از فلاسفه‌ی شرق و  
یونان باستان به اخلاق به عنوان نوعی منش می نگرستند تا یک رفتار، به عبارت بهتر  
عقیده داشتند اخلاق، استعدادی درونی است نه یک رفتار بیرونی. کتب مقدسی  
یهودیت و مسیحیت از اخلاق به عنوان "خلوص قلب" یاد می کند.

ارسطو تحسین یونانیان را برای فضیلت قرار دادن اعتدال و میانه روی برانگیخت.  
هنگامی که برای گلدواتر در سال ۱۹۶۴ نامزد ریاست جمهوری شده بود، گفت:  
"افراط در دفاع از آزادی ناپسند نیست... اعتدال در طلب عدالت مضموم است."  
ارسطو با این حرف مخالف است. او می گوید همیشه خوبی بین دو بدی قرار دارد.

موضوع خطرپذیری را در نظر بگیرید. در یک طرف ترسی قرار دارد. ترس از مقابله  
با خطر و در طرف دیگر بی باکی است. ترس بودن در مواجهه با شرایط بد. آنچه که  
پسندیده است جرات است که بین این دو قرار دارد. مشابه همین موضوع را در مورد  
ثروت و قدرت هم می توان عنوان کرد.



<u>بی نهایت</u>	<u>تعادل طلایی</u>	<u>بی نهایت</u>
ولخرجی	بخشندگی	خساست
ثروت		
ستیرناجویی	جرات و جسارت	ضعف
قدرت		

ارسطو حکمت را در کسی می‌داند که از این دو بی نهایت پرهیز می‌کند. میانه‌روی بهترین گزینه است: ارسطو نام آن را "میانه روی طلایی" نام نهاده است.

در مقوله‌ی ارتباطات، ارسطو فریب کاری را مضموم و حقیقت گویی را پسندیده می‌داند. البته این جمله به معنای آن نیست که افراد افکار مگوی خود را در برابر همگان فاش کنند. میانه روی طلایی در مورد استیسی می‌توانست چنین باشد:

<u>بی نهایت</u>	<u>میانه روی طلایی</u>	<u>بی نهایت</u>
گفتن همه چیز	راست گفتن	دروغ گفتن
فاش گویی	افشاگری کنترل شده	رازداری

استیسی می‌توانست (۱) در مورد استادش حقایقی را بگوید بدون این که به او ظلم کند. (۲) می‌توانست نگرانی و نه اضطراب خود را برای سرپرست گروه تدریس عنوان کند. (۳) و می‌توانست به سین بگوید که الان زمان مناسبی برای صحبت با میشل نیست. بعضی این نظریه‌ی ارسطو را چنین معنا می‌کنند: "صلح به هر قیمت". اما بهر حال ارسطو میانه روی را امری پسندیده می‌داند.

## خواست الهی: آگوستین

آگوستین گفت: "خدا را دوست بدارید و هرچه می خواهید انجام دهید". او به طور سمبلیک بین سکونت در بابل و بیت المقدس قضاوت قائل می شود. بابلیها دوست دار شادی، دنیا و خود بودند. در حالی که ساکنان بیت المقدس دوست دار خداوند بودند و می خواستند از قانون او پیروی کنند. آگوستین گفت: "بگذار هر کسی از خود پرسد که چه چیزی را دوست دارد؟ تا به این ترتیب مشخص شود اهل کدام شهر است؟" ممکن است متعقدان امروزی خواست الهی کمتر استعاره گرا باشند، با این وجود آنها هم مانند پیروان قدیمی این مکتب متعقدند که اخلاق شاخه ای از خداشناسی است. به نظر آگوستین، کسانی که صادقانه در طلب خواست الهی باشند هیچ مشکلی در زندگی نخواهند داشت. انجیل قانون زمینی را برای ساکنان شهر خدا ارایه کرده است. سخن گفتن، استعدادی است که از جانب خداوند به بشر عطا شده تا آنان افکار خود را با یکدیگر مبادله کنند.

بنابراین، اگر سخن گفتن برای اغوای مردم به کار آید، گناه است. البته منظور این نیست که هیچ وقت پیش نخواهد آمد زمانی که دروغ گفتن برای خدمت کردن به مردم مفید واقع نشود.

نهمین فرمان از مجموعه ی ده فرمان این است: "نباید شهادت دروغ علیه همسایه ات را تحمل کنی". آگوستین به استیسی می گوید که در هر شرایطی باید راست

بگویی هر قدر هم که نتایج دردناکی به دنبال داشته باشد. اما برخلاف کانت برای دروغ درجاتی قایل است. دروغ هایی که برای کمک به دیگران باشند با دروغ هایی که برای آسیب رساندن به دیگران هستند، یکی نیستند. ضریب کاری برای مانع شدن از رانندگی در حالت مستی و کشته شدن، در مقایسه با فریب کاری با نیت موجب اخراج کسی شدن کمتر نادرست است. اما به طور کلی تمام انواع دروغ به رابطه‌ی ما با خداوند آسیب می رسانند.

“در صورتی که دروغی گفته شد باید بخشیده شود نه این که توجیه شود”.

دو پرسش را می توان از پیروان آگوستین پرسید: (۱) آیا مطمئن هستید که خدای واقعی را می پرستید؟ (۲) شما می دانید که خواست خدا چیست؟ انجیل و قرآن درباره‌ی بسیاری از موضوعات کلی گویی کرده اند و بیانی شفاف ندارند. حتی معتقدین واقعی نیز درباره‌ی کارهای استیسی اتفاق نظر ندارند. اما همگی معتقدند که آنچه خدا از بشر می خواهد عدالت پیشگی و مهر ورزی است.

### اخلاق گفتگو مدارانه: مارتین بابر

مارتین بابر یک فیلسوف یهودی روسی بود که پیش از جنگ دوم جهانی به فلسطین رفت و در همانجا در سال ۱۹۶۵ بدرود حیات گفت. نظریات اخلاقی او مبتنی بر روابط مردم با یکدیگر است. او اغلب برای بیان اهمیت نوع نگرشی که به سایر افراد داریم از زبان شاعرانه بهره گرفته است: “هرکسی باید شریکس را مانند خود بداند”.

به اعتقاد بابر گفتگو اساس اخلاق است. او می گوید گفتگو امری دو سویه است. در منولوگ طرف مقابل به عنوان یک شیئی تلقی می شود. در صورتی که گفتگو رابطه‌ای را پایه می نهد که در آن، طرف مقابل تصویری از خدا فرض می شود. او با کانت در این زمینه هم عقیده است که مردم هدفمند و نه وسیله، ما متعهد اخلاقی داریم که برای مردم ارزش قایل شویم.

بابر برای تشریح زندگی مبتنی بر گفتگو از عبارت "راه باریک" استفاده می کند. در این سوی ران سرزمین ذهن قرار دارد که هیچ معیاری ندارد و در طرف دیگر سرزمین قطعیت است و بر روی صخره‌ای نوشته شده: "در آن سوی سرزمین ذهن، در این سوی سرزمین هدف، در پل اتصال این دو سرزمین. هرکجا که ما یکدیگر را ملاقات کنیم، آنجا قلمرو "بین" ماست.

معتقد بودن به این فلسفه، نیازمند توجه به روابط بین فردی است که نسبت به فلسفه‌ی خود پرستی، وجودی پیچیده تر را عرضه می کند. روابط مبتنی بر گفتگو اموری متضاد را شامل می شود: "زندگی سرشار از تضادهاست". آنچه بابر به استیسی می گوید این است: کسانی که می خواهند روابط صادقانه‌ای با مردم داشته باشند باید تصویری مناسب در روابط ایجاد کنند. حقیقت بیان شفاف خود به دیگران است در حالی که ارتباطات منحط مبتنی بر "به نظر رسیدن" است. اگر استیسی خواهان گفتگویی راستین است باید "خود واقعی" خود را به نمایش بگذارد. برای مثال او

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

می‌بایست درباره‌ی ترس خود با سرپرست گروه تدریس صحبت می‌کرد و نظرات او

را نیز می‌شنید.

اما تصور کنید حالتی را که به واسطه‌ی رعایت رابطه‌ی من- تو و احترام به اصل

گفتگو، پشت بانه‌ی اخذ عوارض ترافیک ایجاد شود. بهر حال بابر بر روابط بین فردی

تاکید دارد.

### آوایی متفاوت: کارول گیلیگان

کارول گیلیگان استاد دانشگاه هاروارد است. او در کتاب خود بنام "آوایی متفاوت"

نظریه‌ای عنوان کرده که می‌گوید زنان در مقایسه با مردان از روش‌های اخلاقی

متفاوتی استفاده می‌کنند. طبق نظریه‌ی او مردان در روابط خود به دنبال کسب استقلال

هستند در صورتی که زنان در جستجوی ارتباطی انسانی هستند.

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title:  
Subject:  
Author: qq  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 3/22/2012 12:24:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: hadi tahaghoghi  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 3/22/2012 12:24:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 21  
Number of Words: 3,255 (approx.)  
Number of Characters: 18,558 (approx.)